

### توهین به ادیان و قومیت‌ها در پرتو جرم‌انگاری امنیت‌گرا

نویسندگان	عباسعلی اکبری *
وابستگی سازمانی	استادیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
اطلاعات مقاله	نوع مقاله: پژوهشی صفحه: ۸۱ - ۹۷ دوره ۱، شماره ۱
اطلاعات نویسنده مسئول	نویسنده مسئول: عباسعلی اکبری کد ارکید: ..... تلفن: ۰۹۱۲۱۷۶۹۳۲۱ ایمیل: dr.akbari@iaut.ac.ir
سابقه مقاله	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ روش پژوهش: توصیفی تحلیلی
واژگان کلیدی	جرم‌انگاری، امنیت‌گرا، توهین به ادیان، توهین به قومیت‌ها، ماده ۴۹۹ مکرر توضیحات

کلیدیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد: اکبری، عباسعلی؛ نخعی، یاسر (۱۴۰۳)، توهین به ادیان و قومیت‌ها در پرتو جرم‌انگاری امنیت‌گرا، فصلنامه علمی پژوهش های نوین در جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۸۱ - ۹۷  
دهی

## Insulting Religions & Ethnicities in Light of Security Oriented Criminalization

### Authors

Abbas Ali Akbari\*

### Organizational Affiliation

Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Yaser Nakhaei

PhD Student in Criminal Law & Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

### Article Information

**Article Type** Research

**Pages** 81 - 97

**Volume 1, Issue 1**

### Corresponding Author's Info

**Corresponding Author's** Abbas Ali Akbari

**ORCID** 0000-0000-0000-0000

**Tell** 09121769321

**Email** dr.akbari@iaut.ac.ir

### Article History

**Received** 2024/07/31

**Revised** 2024/09/05

**Accepted** 2024/09/15

**Published** 2024/09/22

### Online:

**Research Method** Descriptive & Analytical

### Abstract

In recent years, cases of insulting ethnic groups, religions, and sects have been the beginning of tension and violence in society and have led to the disruption of public order and security. In 2020, with the concern of maintaining national security, the legislator criminalized insulting Iranian ethnic groups and religions and sects specified in the Constitution by adding Article 499 to the chapter on crimes against the country's internal and external security. Regardless of the necessity or non-necessity of a criminal response regarding insulting religions, religions, and ethnic groups, it seems that the criminalization that has been made is securitization-oriented. Considering the extension of restrictions and strictness regarding crimes against security to the aforementioned crime, the vagueness and interpretability of the act of insulting religions, religions, and ethnic groups, the expansion of the subject of the crime without determining an objective criterion, and the absolute criminalization of the material element of the crime, the legislator has taken a securitization-oriented approach in approving this article. Criminal policy can shift from focusing on a zero-tolerance criminal response and using cultural and religious activities by government institutions, especially the Iranian Broadcasting Corporation and non-governmental organizations, as well as religious scholars, to utilizing non-criminal solutions to prevent the occurrence of this crime and reform perpetrators, as well as paying attention to the rights of victims.

### Keywords

*Criminalization, Security-Oriented, Insulting Religions, Insulting Ethnicities, Article 499 repeated*

### Description

*All rights to this article belong to the authors.*

*Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.*

**How to Cite This Article** Akbari, Abbas Ali; Nakhaei, Yaser (1403), Insulting Religions & Ethnicities in Light of Security Oriented Criminalization, Scientific Quarterly of Modern Researches in Criminology, Volume 1, Number 1, Pages 81-97

## ۱- مقدمه

جرم‌انگاری یکی از اهرم‌های سیاست جنایی هر کشور در برقراری نظم عمومی و حمایت از آزادی‌های قانونی شهروندان می‌باشد. در حقیقت دولت خود را مجاز می‌داند که برای حفظ حاکمیت خویش و نیز تامین نظم اجتماعی و تضمین بهره‌مندی آحاد مردم جامعه از آزادی‌های قانونی، اقدام به جرم‌انگاری نماید و فعل یا ترک فعلی را غیرمجاز اعلام و آن را متصف به وصف مجرمانه کند. البته استفاده بی‌رویه از جرم‌انگاری و یا عدم توجه به معیارها و الزامات جرم‌انگاری می‌تواند باعث محدودیت غیرموجه آزادی‌های فردی در جامعه شده و حقوق جزا را از کارکرد اصلی خود دور نماید. می‌توان گفت توسل به ضمانت اجرای کیفری برای تامین منافع اساسی افراد جامعه زمانی قابل توجیه است که نتوان برای کنترل یک رفتار از دیگر رشته‌های حقوقی بهره جست. (Clarkson, 1987: 167) اصل حداقل بودن حقوق جزا که از آن با عناوین دیگری مانند حقوق جزا به عنوان آخرین وسیله، اصل صرفه‌جویی کیفری، اصل تکمیلی یا فرعی بودن حقوق کیفری نیز یاد می‌شود، مؤید این نکته است که مداخله کیفری که اصولاً موجب بیشترین تعرض و تعدی به حقوق و آزادی‌های شهروندان است، باید به عنوان آخرین راه چاره و در حداقل موارد ضروری صورت گیرد. (غلامی، ۱۳۹۸: ۴۵) حکومت از یک سو در تلاش است تا نظم و امنیت عمومی جامعه را محقق نماید و از سوی دیگر ملزم است که شهروندان را از حقوق بشری خویش، محروم ننماید. در دیدگاه امنیت‌مدار به پدیده مجرمانه، حفظ امنیت کلیدواژه ای است که در لوای آن، دخالت در حقوق شهروندان و توسل به تدابیر سخت‌گیرانه در قبال مجرمان و فاصله‌گیری از معیارهای حقوق بشری، توجیه‌پذیر می‌گردد. می‌توان گفت اگر اقدام به جرم‌انگاری در یک جامعه از حالت نرمال و متعارف خود خارج شود و حقوق کیفری قلمرو منطقه آزاد رفتاری آحاد جامعه را کاهش دهد و باعث گسترش منطقه کنترل شده رفتاری گردد، جرم‌انگاری امنیت‌گرا یا حداکثری متبلور می‌شود. رمز بقای کشور ایران در طول تاریخ با توجه به کثرت قومیت‌ها و وجود ادیان و مذاهب مختلف در آن، همزیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های قومی و پیروان ادیان و مذاهب در کنار یکدیگر است. فارغ از اینکه اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کنار تعیین اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری به عنوان دین رسمی ایران، برای پیروان سایر ادیان مصرح در قانون اساسی یعنی زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان و نیز پیروان مذاهب اسلامی، آزادی در انجام مراسم دینی و اعتقادی و احوال شخصی را مقرر کرده است، توهین به هریک از ادیان و مذاهب مصرح در قانون اساسی و البته سایر ادیان و فرقه‌هایی که دارای طرفدارانی هستند و نیز قومیت‌های گوناگون، می‌تواند زمینه ایجاد تنش یا خشونت را در جامعه فراهم سازد. چه‌بسا خشم ناشی از تحریک احساسات قومی و دینی و مذهبی در افراد جامعه، موجب از بین رفتن وحدت و به خطر افتادن امنیت ملی گردد. وجود همسایگانی با قومیت و مذهب واحد در مرزهای کشور نیز، گاهی باعث تشدید این ناامنی و شعله ور شدن بیشتر احساسات قومی و مذهبی می‌شود. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۹ با تصویب ماده ۴۹۹ مکرر تعزیرات با جرم‌انگاری توهین به قومیت‌های ایرانی و ادیان الهی و مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی برای ارتکاب این عمل، ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفت. اضافه نمودن ماده مذکور در فصل جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور و نیز توجه به نص ماده که قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا علم به وقوع آن را برای تحقق این جرم، مورد تصریح قرار داده است، این اندیشه را به ذهن متبادر می‌کند که جرم‌انگاری صورت‌گرفته در خصوص توهین به قومیت‌ها و مذاهب، صبغه امنیتی دارد. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که جرم‌انگاری انجام شده در خصوص توهین به ادیان و قومیت‌ها موضوع ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹)، تا چه میزان از شاخص‌های جرم‌انگاری امنیت‌گرا برخوردار است؟

## ۲- رویکرد امنیت مدارانه در جرم انگاری

رویکرد امنیت مدارانه در جرم انگاری به معنای تمرکز بر حفظ امنیت عمومی و جلوگیری از تهدیدات بالقوه به جامعه است. این رویکرد به تدریج در سیاست های کیفری کشورهای مختلف، از جمله ایران، شکل گرفته و به نوعی بر فرآیند جرم انگاری تأثیر گذاشته است. در این بخش از پژوهش به شرح این مطلب می پردازیم.

### ۲-۱: معیارها و الزامات جرم انگاری

جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن مقنن با لحاظ نمودن هنجارها و ارزش های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد تایید خود، ارتکاب یا عدم ارتکاب عملی را ممنوع و برای نقض این ممنوعیت مجازات تعیین می کند. بر این اساس جرم انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیرساختی مانند فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است. (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۱) این فرایند همواره از عوامل مختلفی مانند مبانی نظری و مورد تأیید حکومت و ملاحظات سیاسی و عقیدتی حاکم بر جامعه متأثر می گردد. البته وجود چنین عواملی مانع از آن نیست که منابع فراملی بر جرم انگاری تأثیرگذار باشند. (مجیدی، ۱۳۹۳: ۳۹) البته استفاده از ضمانت کیفری باید به مواردی منحصر گردد که منافع اساسی و حیاتی همه مردم یا جامعه لطمه دیده باشد. (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۳۷) زمانی می توان جامعه ی جرم بر تن یک فعل یا ترک فعل پوشاند که آن را از سه فیلتر اصول، پیش فرض ها و کارکردها عبور داد. در فیلتر اصول، باید رفتار مورد نظر بر اساس برخی از اصول و مبانی نظری راجع به جرم انگاری (مثلا اصل صدمه) در حیطه مداخله دولت قرار داشته باشد. در فیلتر پیش فرض ها، باید بتوان ثابت کرد که مداخله حقوق کیفری ضروری است و نمی توان با روش های ملایم تر از نظر ضمانت اجرا با رفتار مدنظر مقابله کرد. در فیلتر کارکردها باید پیامدهای عملی جرم انگاری رفتار بررسی شود و تنها در صورتی آن را جرم انگاری نمود که فایده آن بر هزینه ها و زیان برتری داشته باشد. (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۲۶) اگر مقنن از محدوده دخالت خویش در جرم انگاری (یعنی منافع اساسی و حیاتی شهروندان و جامعه) تجاوز کند، بدون تردید نظام کیفری را درگیر پیامدهای فاسد آن خواهد کرد و اگر برای هر امری بدون جهت از مجازات استفاده کند، جز تورم کیفری و افزودن بدون جهت بر عناوین مجرمانه کار دیگری نکرده است. (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۰)

کارکرد ارزشی و توصیفی یکی از کارکردهای مهم حقوق کیفری در جامعه می باشد؛ به عبارت دیگر مقنن با در نظر گرفتن وصف مجرمانه برای برخی رفتارها، ارزش های اساسی و بنیادین مورد قبول یک جامعه را مشخص می نماید. اگر قانون گذار بخواهد به طور وسیع از مجازات استفاده نماید و در مواردی به آن متوسل شود که یا کم اهمیت بوده و یا یک توافق گسترده عمومی در مورد ضرورت ورود آن ها به حقوق کیفری وجود ندارد، این مساله به تضعیف کارکرد ارزشی و اخلاقی حقوق کیفری منجر می گردد. اگر تابعان حقوق کیفری ملاحظه کنند که بسیاری از رفتارهای آنها چه در خلوت خصوصی و چه در عرصه عمومی با وجود این که صدمه ای به دیگران و نظم و آسایش شهروندان نمی زند، در قلمرو قوانین کیفری جای گرفته اند، این تصور در آنها شکل خواهد گرفت که حقوق کیفری ابزاری در دست حکومت برای تحمیل ارزش های مورد قبول خود است. اگر مردم مشاهده نمایند که حقوق کیفری درصدد ارزش سازی بر اساس هنجارهای حکومتی است، قدرت اخلاقی آن با تردیدهای جدی مواجه خواهد گردید. (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۱۰)

در فرایند جرم انگاری، علاوه بر توجه به اصول و ملاک های جرم انگاری، مقنن باید هزینه های اقدام کیفری را نیز محاسبه نماید. با چنین نگاهی و با در نظر گرفتن لزوم تأمین حداکثری آزادی های فردی، اقدام به جرم انگاری تنها بر مبنای اصول و ملاک های معرفی

شده و یا از طریق محاسبه و سنجش منافع و هزینه های اقدام کیفری، منطقی و مجاز خواهد بود. (مجیدی و تاج آبادی، ۱۳۹۸: ۲۹۰) بنابراین هنگام گزینش ضمانت اجرای کیفری باید فواید و هزینه های جرم انگاری مورد توجه قرار گیرد. در این معیار بیشتر قابلیت اجرای قانون و هزینه هایی که از اجرای قانون بر جامعه تحمیل می شود مبنای توجیه یا عدم توجیه جرم انگاری محسوب می شود. اگر زیان های جرم انگاری یک عمل معین بر فواید آن چیره گردد، در درستی اقدام مقنن باید تردید کرد، مگر آن که ارزش مورد حمایت از دیگاه جامعه از چنان اهمیتی برخوردار باشد که جامعه حاضر به پذیرش آن باشد. (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۲) در واقع مقنن باید در امر جرم انگاری از تحدید بی دلیل آزادی های شهروندان خودداری نماید. افکار عمومی جامعه موضوع دیگری است که باید در جرم انگاری مورد توجه مقنن واقع شود. گستره افکار عمومی به حدی است که شامل تاثیرگذاری و تاثیرپذیری در تمامی اشخاص، موسسات، سازمان ها و گروه هاست، از همین روی به تدریج نه تنها نظام های سیاسی، بلکه سیاست گذاران جنایی را نیز به سمت شناخت و بهره گیری از آن سوق داده و این مساله در همه نظام های حقوقی دنیا و از جمله نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با درجات کم و زیاد وجود دارد و اغلب بر این امر واقفند که بی توجهی به افکار عمومی در سیاست های کیفری نمی تواند چندان پایدار و مستحکم باشد. (قربانی، ۱۴۰۲: ۲۸)

جرم انگاری وقتی می تواند باعث کاهش جرم شود که متخذ از عرف و افکار عمومی جامعه باشد. به عبارت دیگر مردم باید از اقدام مقنن برای جرم شناختن عمل احساس آرامش داشته باشند. (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۴) در این صورت است که افراد جامعه با پذیرش جرم انگاری صورت گرفته توسط قانون گذار، با لحاظ نمودن آن و اجتناب از انجام فعل یا ترک فعل مجرمانه، هم نوابی خود با حاکمیت را نشان می دهند. البته نباید در میزان تاثیرپذیری مقنن از افکار عمومی نیز افراط نمود. اگر سیاست کیفری بر آن باشد تا به افکار عمومی توجه داشته باشد، خواه و ناخواه به سمت یک رویکرد پوپولیستی یا رویکرد عوام گرایانه سوق داده می شود و این موضوعی است که در چند قرن اخیر شاهد آن بوده ایم و احساس می شود روز به روز هم بر میزان این تاثیر افزوده شود، چرا که به محض ارتکاب جرایمی که افکار عمومی خود را درگیر آن می بیند واکنش اولیه اش نسبت به آن رویداد مجرمانه معمولاً سخت گیرانه است و پاسخ های قضایی را خفیف و ناعادلانه می داند؛ لذا خواهان برخورد شدید، فوری و آنی مراجع ذیربط بوده و به تبع آن نیز مقنن بارها به شیوه ای احساسی نسبت به وضع قوانین و یا متروک تلقی کردن آن ها در مقام عمل اقدام نموده است و این نشانگر تاثیر چشم گیر افکار عمومی در برخی از موارد بر سیاست کیفری ایران می باشد. (قربانی، ۱۴۰۲: ۲۹) پس از این که قانون گذار در نفس جرم انگاری یک فعل یا ترک فعل با رعایت معیارها و الزامات پیش گفته به نتیجه رسید، موضوع مهم دیگر این است که باید تناسب میان جرم و نوع و میزان مجازات نیز توسط مقنن کیفری رعایت شود. در حقیقت شدت مجازات یک جرم، می تواند حاکی از درجه خطرناکی آن جرم از دید مقنن و همچنین، یکی از عوامل تعیین کننده ریسک ارتکاب جرم برای مرتکب باشد. تناسب میان جرم و مجازات توسط سزار بکار یا دانشمند ایتالیایی در کتاب رساله جرایم و مجازات ها مورد توجه قرار گرفته است: «اگر امکان می داشت که نسبت به شمار بی نهایت ترکیبات مبهم اعمال انسان محاسبه هندسی را به کار برد باید بتوان در میان آن ها طیفی متناسب با مجازات ها یافت که از شدیدترین تا خفیف ترین درجه نوسان پیدا کند. اگر مرتبه های عام و دقیقی از مجازات ها و جرایم به دست می داشتیم، احتمالاً مقیاس مشترکی از درجه استبداد و آزادی، انسانیت و شرارت ملت های مختلف به دست می آمد؛ ولی قانون گذار خردمند را همین بس که تقسیمات اساسی را معین کند و ترتیب را رعایت نماید و مراقب باشد که به جرایم درجه اول مجازات های درجه آخر را اختصاص ندهد.» (بکاریا، ۱۴۰۰: ۹۴)

## ۲-۲: جرم انگاری امنیت گرا

حقوق کیفری در سال های اخیر و به ویژه پس از اقدام تروریستی ۱۱ سپتامبر در آمریکا با ادعان به عدم موفقیت رویکردهای اصلاح و درمان و تحت تاثیر جنبش های بازگشت به کیفر، به سمت رویکردهای امنیت مدار متمایل شده است. جهت گیری های جدید سیاست جنایی و به طور خاص تری حقوق کیفری با تمرکز بر روی امنیت و از طریق تصویب قوانین سخت گیرانه، کاهش تضمین های دادرسی و اعطای اختیارات فراوان به مقامات اجرایی، امنیت را در تقابل با آزادی قرار داده و جامعه را به سمت پلیسی کردن و خطرمداری سوق می دهد. بازتاب رویکردهای امنیت مدار در عصر حاضر باعث می گردد تا حقوق کیفری در چالش با قواعد حقوق بشر قرار گیرد و اسباب تعرض به آن را فراهم آورد. (مجیدی و تاج آبادی، ۱۳۹۸: ۲۹۳) در سال های اخیر شاهد شکل گیری جرم شناسی و حقوق کیفری جدیدی هستیم که دشمن مدار و یا به تعبیری امنیت مدار است. حقوق کیفری کلاسیک، مجرم را یک فرد خودی می داند و لذا برخورد عادلانه با وی را توصیه می کند اما در حقوق کیفری مدرن فرد مجرم یک دشمن است و تأمین امنیت جامعه برخورد شدید با وی را توجیه می کند. بدین سان است که شاهد عقب نشینی حقوق کیفری حقوق بشری شده، دست کم در پاره ای جرایم، هستیم. به نظر می رسد امنیت به نوعی وسایل دستیابی به آن را توجیه می کند. رویکرد امنیت مدار در برخی از اسناد بین المللی مانند اساسنامه های دیوان های کیفری بین المللی رواندا<sup>۱</sup> و یوگسلاوی سابق<sup>۲</sup> و دیوان کیفری بین المللی (ICC)<sup>۳</sup> و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی (مریدا، ۲۰۰۳)<sup>۴</sup> و کنوانسیون مبارزه با جرم سازمان یافته فراملی (پارمو، ۲۰۰۰)<sup>۵</sup> نیز نمود داشته است. در این اسناد می بینیم که چگونه دغدغه تضمین امنیت بر دغدغه های عدالت پیشی گرفته است و اسناد بین المللی در جهت تحقق امنیت پاره ای از اصول مسلم حقوق کیفری کلاسیک را تعدیل کرده و حتی در شرایطی کنار می گذارند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۱۱۲) جرم شناسی جدیدی که البته با مسامحه عنوان جرم شناسی را به آن می دهیم و به نوعی در برابر جرم شناسی هنجارمند قرار می گیرد، جرم شناسی امنیتی است. جرم شناسی هنجارمند یعنی عبور دادن راهکارها و یافته های جرم شناسی از سنجح حقوق بشر، برای وارد کردن آنها در حقوق کیفری. اما جرم شناسی امنیتی یا به تعبیر استاد دلماس مارتی<sup>۶</sup>، علم پلیسی یا علم استراتژیک (راهبردی) یا جرم شناسی خطر ریسک یا به عبارتی جرم شناسی قانون و نظم یک گروه از مجرمین یا جرایم را، به این اعتبار که دشمن جامعه و خطرناک می داند برجسته و مشمول مقررات کیفری و رویکرد خاصی در جرم شناسی می کند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۲) تقابل و تعارض میان تحقق نظم و امنیت عمومی در جامعه از سویی و رعایت معیار های حقوق بشری در خصوص شهروندان از سویی دیگر، زمینه ظهور عدالت کیفری امنیت مدار را در برابر عدالت کیفری کرامت محور ایجاد می نماید. در عدالت کیفری امنیت مدار برخلاف عدالت کیفری کرامت مدار که تحت تاثیر اندیشه هایی نظیر مکتب دفاع اجتماعی بر ضرورت مبارزه با پدیده مجرمانه در قالبی انسانی و موجه با معیار های متناسب را مورد تاکید قرار می دهد، متصدیان حفظ نظم به عذر تحقق امنیت، معیارهای حقوق بشری در خصوص شهروندان جامعه را به ورطه فراموشی می سپارند. (جعفریان سوته، ۱۳۹۴: ۳۶) اگر عملکرد سیاست تقنینی یک جامعه تحت عنوان جرم انگاری، از حدود نرمال و متعارف خود خارج شده و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در قلمرو اعمال مباح افراد گسترش دهد و یا با محدود کردن منطقه آزاد رفتاری سبب

<sup>1</sup> International criminal Tribunal for Rwanda

<sup>2</sup> International criminal Tribunal for the former Yugoslavia

<sup>3</sup> International criminal court

<sup>4</sup> United Nations Convention Against Corruption 2003

<sup>5</sup> United Nations Convention Against Transnational Organized Crime 2000

<sup>6</sup> Mireille Delmas-Marty

توسعه منطقه کنترل شده رفتاری شود، سخن از جرم‌انگاری حداکثری یا امنیت‌مدار پیش می‌آید. (هوساک، ۱۳۹۰: ۲۶) جرم‌انگاری امنیت‌مدار، ریشه در عدالت کیفری امنیت‌مدار دارد. امنیت‌گرایی در اصطلاح، یعنی مبتنی کردن قواعد و مقررات حقوق کیفری بر حاکمیت امنیت، اگرچه به قیمت شکسته شدن عدالت و نگاه‌داشتن پایه احقاق حق بر مساوات و عدم توجه به حقوق متهم تمام شود. در اصطلاح حقوقی امنیت‌گرایی عبارت است از فدا کردن برخی از حقوق بشری مجرمان و متهمان به جهت حفظ امنیت. (توجهی و برنجی، ۱۳۹۱: ۳۲) یکی از ریشه‌های گسترش اندیشه‌های امنیت‌مدار در سطح سیاست جنایی، شکل‌گیری ترس از جرم در جامعه می‌باشد. در صورتی که نظام کیفری به صورت مستقل در چارچوب یک واکنش کیفری در قالب تحمیل مجازات، انحراف اجتماعی را به عنوان محصول سیاست جنایی تقنینی و رفتار فاصله‌گیر از قاعده‌مندی و موضع خطر معرفی نماید، می‌توان گفت که آن نظام کیفری به سمت امنیتی شدن در حرکت است، چراکه نسبت به رفتارهای اجتماعی کوچک‌ترین اغماض و چشم‌پوشی روا نداشته و در قبال آن به تسامح عمل نکرده است. (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۹) متأثر شدن حقوق کیفری از رویکردهای امنیت‌گرایانه از دیدگاه برخی می‌تواند به حفظ امنیت شهروندان جامعه کمک نماید و از این‌رو کم‌رنگ شدن برخی از اصول حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری، قابل توجه به نظر برسد؛ اما عده‌ای دیگر بر این باور هستند که رویکرد امنیت‌گرایانه در جرم‌انگاری، زنگ هشدار برای حاکمیت می‌باشد که نتوانسته بدون تحدید آزادی شهروندان و تعدی به حقوق بشر، مشکلات جامعه خود را حل کند. بنابراین شاید سیاست جنایی با توسل به جرم‌انگاری امنیت‌گرا بتواند در تأمین و حفظ امنیت موفق باشد ولی با تداوم این رویکرد، اثر زیان‌بار آن با پیمال شدن حقوق دفاعی متهمان و کاهش اعتماد شهروندان به کارکرد جرم‌انگاری توسط حکومت در تضمین آزادی و حقوق بنیادین بشری آنان، آشکار می‌گردد. در چنین موقعیتی قانون‌گذار از منظر افراد جامعه به استفاده ابزاری از جرم‌انگاری برای تثبیت و تداوم قدرت حاکمیت موجود متهم خواهد شد.

### ۳- جرم‌انگاری توهین به ادیان و قومیت‌ها در ماده ۴۹۹ مکرر الحاقی ۱۳۹۹

توهین از نظر لغوی به معنی خوار کردن، خوار داشتن، سبک داشتن، خفیف کردن و سست کردن است. (معین، ۱۳۸۶: ۷۳۶) مقنن توهین و اهانت را که ریشه مشترکی دارند، برای یک منظور و آن هم جرم توهین به کار برده است. واژه وهن، به فتح اول برای سستی وضع شده است و توهین، سست گردانیدن را گویند و در اصطلاح حقوقی مراد از اهانت و توهین معانی عرفی آنها می‌باشد. در این معنی توهین عبارت است از هر فعل یا ترک فعل اعم از گفتار و رفتار و کتابت و اشاره که به نحوی از انحاء در حیثیت و شرافت متضرر از جرم وهن آورد. از این رو می‌توان هتک حرمت را به یک تعبیر نتیجه حاصل از توهین دانست. (پاد، ۱۳۴۸: ۲۴۲) آنچه که در این تعریف و سایر تعاریف ارائه شده از توهین حائز اهمیت است این است که معیار تشخیص توهین، عرف می‌باشد. ماده واحده قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین یا هتک حرمت مصوب ۱۳۷۹ نیز بر معیار عرفی در تحقق توهین تأکید می‌نماید. لازمه جرم شناختن توهین، ارزیابی رفتار مرتکب با معیار عرف است، اما این بدان معنا نیست که صرف موهن بودن عرفی یک اقدام کافی برای جرم‌انگاری آن باشد؛ به عبارت دیگر هر توهین کیفری مبنای عرفی دارد ولی هر توهین عرفی به نحو الزام آوری جرم محسوب نمی‌شود. بنابراین، در تشخیص توهین هرچند عرف نقش مبنایی دارد ولی برای کیفری بودن آن باید به شرایط مقرر در قانون، نظر مقنن و اندیشه جرم‌زدایی نیز توجه داشت. (آقای نی، ۱۳۹۵: ۲۵) توهین در قوانین کیفری ایران در مواد ۶۰۸ (توهین عادی یا ساده)، ۶۰۹ (توهین به مأموران دولت)، ۵۱۳ (توهین به مقدسات اسلامی)، ۵۱۴ (توهین به امام خمینی و رهبری) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ و نیز ماده ۲۶۲ کتاب دوم قانون مجازات اسلامی

(حدود) مصوب ۱۳۹۲ در خصوص سب نبی و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ (توهین از طریق مطبوعات) جرم‌انگاری شده است. با در نظر گرفتن واقعیات جامعه ایران، به نظر می‌رسد که مؤلفه اقوام (قوم) با ادیان (و مذاهب) لزوماً منطبق بر هم نبوده و هر یک تعریف، مضامین، گستره و مقتضیات خاصه خود را دارد. شاید با تسامح بتوان گفت که واژه ی «اقوام» در بردارنده عناصر نژادی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و آداب و رسوم و حتی جغرافیا است؛ در حالی که تعبیر «ادیان و مذاهب» صرفاً باورها و اعتقادات مبتنی بر ماوراءالطبیعه و نیز نوعی اولوهیت و تقدس را در گستره خود گنجانده‌اند. توضیح این‌که در ایران، انطباق اقلیت قومی و مذهبی به صورت توأمان قابل تصور است مانند کردهای اهل تسنن غرب ایران یا ترکمن‌های سنی مذهب استان گلستان. (صادقی

**و قرقانی، ۱۴۰۲: ۵)**

در خصوص توهین به مقدسات و ادیان و مذاهب و قومیت‌ها، باید به تفاوت موضوع جرم در این جرایم و نیز گستره بزه‌دیدگان توجه داشت. در توهین موضوع ماده ۶۰۸ بزه‌دیده فرد معینی است که با توجه به قابل گذشت بودن جرم، امکان شکایت کیفری پیدا می‌کند اما در توهین به ادیان و مذاهب، غالباً فرد معینی موضوع جرم نیست بلکه انجام توهین به قصد تحریک احساسات دینی و مذهبی یا قومی و نژادی صورت می‌گیرد. بنابراین علاوه بر اقلیت مذهبی یا قومی معینی که ارزش‌های آن مورد اهانت قرار گرفته است، کل جامعه نیز متحمل آسیب می‌شود. توهین به مقدسات مذهبی به اعتبار موضوع توهین که افراد، نهادها، نمادها، اماکن یا اشیاء مقدس و مورد احترام هستند، در زمره توهین‌های مشدد قرار می‌گیرد و با توجه به مخاطرات اجتماعی و امنیتی آن، در برخی نظام‌های حقوقی در زمره جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی قرار گرفته است. (توکلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰) با وجود این‌که قانون اساسی به حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی، دینی و قومی تأکید دارد و در همین راستا اصل ۱۵ قانون اساسی استفاده از زبان‌های محلی و قومی را در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در کنار زبان رسمی کشور آزاد دانسته‌است و بنا بر اصل ۱۹ آن، مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان موجب برتری نمی‌باشد، اما به اعتقاد برخی «در قوانین جنایی ایران مقررات ویژه‌ای مانند آن‌چه بیش و کم درباره دیگر گونه‌های خاص بزه‌دیدگان همچون زنان و کودکان پیش‌بینی شده برای حمایت از اقلیت‌های بزه‌دیده به چشم نمی‌خورد.» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۴۹) توهین به ادیان و قومیت‌ها را در بعضی از اشکال آن می‌توان یک جرم ناشی از نفرت نیز در نظر گرفت. جرم ناشی از نفرت جرمی است که همراه با پیش‌داوری نسبت به خصوصیات حمایت‌شده بزه‌دیده (مانند نژاد و مذهب) باشد و معمولاً هنگامی رخ می‌دهد که مجرم، بزه‌دیده را به دلیل وابستگی یا عضویت در یک گروه اجتماعی هدف جرم قرار دهد. از این رو، جرم ناشی از نفرت از دو پیش‌شرط اساسی برخوردار است. نخست آن‌که مرتکب باید رفتاری مجرمانه (مانند توهین) انجام داده باشد و دوم آن‌که علت غایی ارتکاب جرم، نفرت یا به تعبیر دقیق‌تر پیش‌داوری بزهکار نسبت به خصوصیات حمایت‌شده ی بزه‌دیده باشد. (قورچی بیگی و رضائیان، ۱۳۹۹: ۲۱۸) مرتکب جرم ناشی از نفرت ممکن است حتی شناختی از بزه‌دیده نداشته باشد ولی آن‌چه که وی را در ارتکاب جرم مصمم می‌کند، ویژگی خاص بزه‌دیده از نظر دارا بودن قومیتی خاص یا مذهبی معین است.

### ۳-۱: توهین به مقدسات و ادیان و قومیت‌ها در قوانین موضوعه

توهین به مقدسات، ادیان و قومیت‌ها یکی از موضوعات حساس و چالش‌برانگیز در نظام‌های حقوقی مختلف است. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی، این عمل تحت عنوان جرم شناخته شده و مجازات‌های سنگینی برای آن تعیین گردیده است. در اینجا به بررسی قوانین مقاطع مختلف زمانی در این باره می‌پردازیم.

### ۳-۱-۱: مقطع زمانی قبل از انقلاب اسلامی

توهین به مقدسات اسلامی در قبل از انقلاب اسلامی نیز مورد توجه مقنن وقت بوده است. جرم‌انگاری توهین به قومیت‌ها در دوره زمانی قبل از انقلاب اسلامی فاقد سابقه می‌باشد، اما می‌توان در حالت کلی‌تر به قانون «مجازات تبلیغ تبعیض نژادی» اشاره نمود که متعاقب پیوستن ایران به «معاهده بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی»<sup>۱</sup> در سال ۱۳۴۵ و در راستای اجرایی کردن الزامات ناشی از این قرارداد بین‌المللی، در سال ۱۳۵۶ به تصویب رسید. ماده یک این قانون، نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس و نفرت نژادی و تحریک به تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس را از طریق یکی از وسایل تبلیغ عمومی علیه هر گروه که از حیث نژاد، جنس و رنگ و قومیت متفاوت باشد، جرم‌انگاری نموده است.

### ۳-۱-۲: مقطع زمانی بعد از انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با تغییر در قوانین جزایی و همسو شدن قوانین با فقه اسلامی، طی مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) توهین به مقدسات اسلام و امام خمینی (ره) و رهبری جرم‌انگاری شده است. در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز برای دشنام (سب) به پیامبر اکرم (ص) و سایر انبیای عظام الهی و ائمه طاهرین علیهم السلام و حضرت فاطمه زهرا (س)، مجازات حدی اعدام تعیین شده است. علاوه بر قانون مجازات اسلامی، در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، به توهین به مقدسات اشاره شده است. بند ۸ ماده ۶ این قانون، اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید را از جمله موارد اخلاف به مبانی و احکام اسلام برشمرده است که نشریات در این موارد آزاد نخواهند بود. همچنین مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مذکور، به جرم‌انگاری اهانت به مقدسات از طریق نشریات می‌پردازد. در خصوص تحریک احساسات قومی، بند ج ماده ۲ و نیز بند ۴ ماده ۶ قانون مطبوعات، این عمل را بر اساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی) قابل مجازات دانسته است. نکته قابل توجه این است که این جرم‌انگاری صرفاً شامل مواردی است که تحریک احساسات قومی از طریق مطبوعات صورت گرفته باشد.

### ۳-۲: ارکان جرم توهین به ادیان و قومیت‌ها

در سال‌های اخیر و با بروز برخی تنش‌ها در جامعه به دنبال توهین به اقوام و مذاهب و تحریک احساسات قومی یا مذهبی، مقنن اقدام به جرم‌انگاری توهین به ادیان و مذاهب و قومیت‌ها نمود تا با توسل به ضمانت کیفری از بروز چنین اتفاقاتی پیشگیری و مرتکبان را مجازات نماید. توقف پخش سریال «سرزمین کهن» به جهت شائبه توهین به بزرگان قوم بختیاری، اعتراض آرامنه و مسیحیان ایران پیرامون تلقی توهین به هویت و ایمان مذهبی مسیحیان در فیلم‌های «اکسیدان» و «مادر قلب اتمی» که حتی جنجال آن به مجلس شورای اسلامی هم کشیده شد، آتش سوزی در اماکن مقدس یهودیان در همدان، توهین به آذری‌زبان‌ها در برنامه کودک موسوم به «فیتیله» (صادقی و قرقانی، ۱۴۰۲: ۳) نمونه‌هایی از این وقایع هستند. طرح الحاق موادی به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) در خصوص اهانت به ادیان و مذاهب قانونی و اقوام ایرانی در تاریخ

<sup>1</sup> International convention on the elimination of all forms of racial discrimination 1969

۱۳۹۹/۰۲/۳۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. شورای نگهبان در دو مرحله ایراداتی به طرح اولیه مصوب مجلس شورای اسلامی وارد نمود. در متن اولیه مصوب مجلس شورای اسلامی عبارت «*قصد/ ایجاد تفرقه یا خشونت یا تنش در جامعه*» به کار رفته بود که با اصلاح صورت گرفته عبارت «*قصد/ ایجاد تفرقه*» حذف گردید و سر انجام در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

اجزای مشترک رکن مادی جرایم توهین شامل رفتار مرتکب، مشخص بودن طرف، بی تأثیری صحت و سقم اظهارات توهین آمیز، موهن بودن رفتار مرتکب و مطلق بودن آن است. (آقایی نیا، ۱۳۹۵: ۲۶) از نظر عنصر روانی علاوه بر علم و عمد لازم در موضوع توهین، باید قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه به عنوان سوءنیت خاص نیز احراز گردد. بنابراین اگر فردی بدون داشتن قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه به یکی از ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی و یا به یکی از قومیت های ایرانی توهین نماید، اگر فعل وی مشمول عنوان مجرمانه دیگری نباشد، این عمل وصف کیفری نخواهد داشت؛ اما اگر سوءنیت خاص مرتکب در قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا علم به وقوع آن احراز گردد، چه موجب تحقق نتیجه یعنی ایجاد خشونت یا تنش در جامعه شده و چه نشده باشد، مرتکب مسئولیت کیفری خواهد داشت. مقنن در تبصره ۲ این ماده، ارتکاب جرم توسط گروه مجرمانه سازمان یافته و نیز شخصیت مرتکب جرم، زمانی که وی مأمور یا مستخدم دولتی یا عمومی بوده و در حین انجام وظیفه می باشد و شیوه و روش انجام جرم موقعی که از ابزارهای ارتباط جمعی یا نطق در مجامع استفاده می شود را از کیفیات مشدده جرم مقرر نموده است. با توجه به اینکه امروزه فضای مجازی و شبکه های پیام رسانی که در این بستر فعالیت می نمایند، فراگیری و تاثیرگذاری زیادی دارند و می توانند منشاء بروز تهدیدهای امنیتی گردند، توجه مقنن به این امر قابل توجیه می باشد. در خصوص تعیین مجازات نیز مقنن با اشاره به حدی بودن جرم در حالتی که فرد مرتکب سب النبی شده است، گستره شمول ماده را شامل مواردی نموده است که خارج از عنوان حدی سب النبی می باشند.

#### ۴- توهین به ادیان و قومیت ها در سنجه جرم انگاری امنیت گرا

اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کنار تعیین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری به عنوان دین رسمی ایران، برای پیروان سایر ادیان مصرح در قانون اساسی یعنی زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان و نیز پیروان مذاهب اسلامی، انجام آزادانه مراسم دینی و اعتقادی را تضمین نموده است. اعطای این حقوق به اقلیت های دینی و مذهبی در قانون اساسی، حاکی از رویکرد توأم با احترام نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به ادیان و مذاهب می باشد. از سوی دیگر کشور ایران دارای تکثر قومیتی است و همزیستی بین قومیت های مختلف در طول تاریخ رمز بقاء و ضامن حفظ یکپارچگی آن بوده است. امام خمینی (ره) بارها در خصوص توجه یکسان به تمامی قومیت ها در نظام اسلامی تأکید نموده اند: «از اول پیروزی انقلاب تا کنون در هر موقعیتی که پیش آمده است، اعلام کرده ایم که در اسلام کرد و ترک و فارس و بلوچ و لر و ترکمن و غیر اینها مطرح نیست؛ اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حق همه گروه ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۸۸) ایجاد خدشه در این همبستگی و اتحاد ملی می تواند موجب بروز مشکلات امنیتی برای کشور گردد. با این وجود، نوع مواجهه با اقدام تفرقه آمیز بین قومیت ها و ادیان و مذاهب از اهمیت بسیاری برخوردار است. به منظور بررسی رویکرد قانون گذار در جرم انگاری توهین به ادیان، مذاهب و اقوام، به تحلیل این جرم با توجه به معیارهای جرم انگاری امنیت مدار می پردازیم.

#### ۴-۱: معیار کلی و قابل تفسیر بودن عمل مجرمانه

سیاست جنایی از ورای زاویه دید امنیت گرایي، به کنترل گسترده رفتارهای اجتماعی از رهگذر جرم‌انگاری حداکثری و افراطی می‌پردازد و به بهانه تأمین امنیت و بازگرداندن آرامش روحی و روانی شهروندان، آن‌چه را که به عنوان ارزش غیرقابل دفاع جامعه بشری معرفی شده است، مجرمانه تلقی می‌کند و با پاسخ‌های کیفری و دولتی، معمولاً جامعه را با نوعی سردرگمی در تشخیص مصلحت‌ها و مبانی ارزشی خود رو به رو می‌سازد. (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۵۷) با بررسی سیاست تقنینی ایران ملاحظه می‌شود فرآیند برچسب زنی در حقوق کیفری ایران از این جهت تشدید می‌گردد که در قوانین کیفری آن، عناوین مجرمانه موسع و نامعین و کلی زیادی وجود دارد. رفتارهای شهروندان در ایران به راحتی می‌تواند با برچسب و انگ مجرمانه رو به رو گردد، و به دلیل قابلیت تفسیرهای مختلف از عناوین مجرمانه موجود، امکان این که افراد به صورت گزینشی در معرض برچسب‌های مجرمانه قرار گیرند نیز بسیار زیاد است. (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۱۵) مقنن عنوان کلی و مبهم توهین را به عنوان عنصر مادی جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر در نظر گرفته است. با توجه به برداشت موسع از توهین این احتمال وجود دارد که افراد در معرض برچسب‌زنی قرار بگیرند و برخلاف اصول حقوق بشری این امر منجر به تحدید حق آزادی بیان گردد. واکنش‌ها و ابزارهای کیفری همواره در شمار کارآمدترین روش‌های اعمال قدرت دولت‌ها قرار دارند. اصولاً مجازات به واسطه خصوصیت سرکوب‌گری، برخورداری از چهره اخلاقی و نیز قدرت قاعده‌مندسازی رفتارها همواره مورد توجه حکومت‌ها و در یک نگاه گسترده‌تر، قدرت بوده است و دولت‌ها از مجازات‌ها و قوانین کیفری به عنوان ابزار اعمال قدرت و حل برخی از مشکلات خود استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی حکومت‌ها با توسل به کیفر، شهروندان را وادار به فرمان‌برداری کرده و هرگونه رفتار ضد هنجار و هرگونه اقدام که به نوعی ثبات سیاسی کشور را دستخوش تهدید قرار دهند، برنتافته و به شدیدترین شکل ممکن در مقام پاسخ‌گویی برآمده و در این راستا گاه اقدامات فرا قانونی را به بهانه امنیت و برقراری امنیت از دست رفته روا می‌دارند. به این معنی که امروزه دولت‌ها به بهانه کنترل جرم و مدیریت خطر، سیاست‌های کیفری خود را تشدید کرده و در میان اجرای عدالت یا تأمین امنیت، سیاست خود را بر مدار امنیت‌گرایی و مدیریت خطر پایه‌گذاری می‌کنند. (مرادی پسند و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸)

اصل کلی در حقوق جزای امروز مبتنی بر صراحت و شفافیت قانون است، تا جایی برای تفسیر موسع از سوی مجریان قانون باقی نماند. از این‌رو استفاده از الفاظ تقنینی مبهم در متون قانونی، از روش‌هایی است که می‌تواند زمینه جرم‌انگاری حداکثری را فراهم سازد. در واقع می‌توان گفت که علاوه بر قواعد جرم‌انگاری در عمل، نوع و شیوه قانون‌گذاری نیز می‌تواند زمینه‌ساز توسعه عناوین مجرمانه باشد. به کارگیری این روش باعث می‌گردد که مجریان قانون با توجه به ابهام‌های موجود در قانون‌گذاری، برداشت و تفسیر خود را در تطبیق دادن ماده قانونی بر عمل موردنظر اعمال نمایند. وقوع این امر، مداخله دستگاه قضایی در حیطه آزادی و حقوق و امنیت افراد جامعه را افزایش می‌دهد و بر همین مبنا، شیوه مذکور را می‌توان خلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها دانست. (مجیدی و تاج آبادی، ۱۳۹۸: ۲۹۶) نظر به این‌که عنصر مادی جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر یعنی توهین، از جمله جرایمی است که در حقوق کیفری ابهام‌های مربوط به آن منجر به تصویب ماده واحده قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و با هتک حرمت مصوب ۱۳۷۹ گردید، برداشت‌های مختلف قضات از آن می‌تواند منجر به توسعه عنوان مجرمانه این جرم گردد. همین ابهام، در خصوص عنصر روانی لازم برای ارتکاب جرم و نیز احراز سوءنیت خاص مرتکب در ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا علم به وقوع آن نیز وجود دارد.

#### ۴-۱-۱: معیار جرم امنیتی بودن

جرایم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران، در قسمت خاصی از قانون مجازات اسلامی به صورت منسجم مطرح نشده است. بدین صورت که بخشی از جرایم علیه امنیت در فصل هشتم و نهم از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی ذیل عناوین محاربه، افساد فی الارض، بغی مطرح شده و بخش دیگر در فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) با عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور جای گرفته است. این تقسیم‌بندی در حالی است که در فصول بعدی کتاب تعزیرات نیز عناوینی چون سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی (فصل دوم و سوم) و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم (فصل شانزدهم) از عناوین مرتبط با جرایم علیه امنیت مشاهده می‌باشد. بنابراین، با توجه به این که مرتکبان این جرایم از نهادهای ارفاقی مانند تعویق صدور حکم، مجازات‌های جایگزین حبس نمی‌توانند بهره‌مند شوند و تعلیق اجرای مجازات هم در مورد آنان منوط به احراز شرایط خاصی شده است و رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادگاه اختصاصی یعنی دادگاه انقلاب می‌باشد، تعیین عناوین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به صورت منسجم توسط مقنن ضروری به نظر می‌رسد. (مجیدی و تاج آبادی، ۱۳۹۸: ۳۰۰)

به موارد مذکور باید عدم شمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات به موجب بند الف ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز ممنوعیت استفاده از نهاد مجازات‌های جایگزین حبس موضوع ماده ۶۴ همان قانون را نیز اضافه کرد. ماده ۴۹۹ مکرر مورد بحث حاضر نیز در فصل اول بخش تعزیرات و ذیل عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی قرار گرفته است و محدودیت‌های پیش‌گفته برای مرتکبان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور شامل توهین‌کنندگان به ادیان و مذاهب و قومیت‌ها هم خواهد بود. با امعان نظر به این که خاستگاه توهین به ادیان و مذاهب و اقوام، ممکن است باورها و آموزه‌های نادرست فرهنگی یا تعصبات دینی و مذهبی باشد، باید ریشه ارتکاب جرم از منظر جرم‌شناسی فرهنگی نیز تحلیل و بررسی گردد. چه بسا خود بزه‌کار در چنین جرایمی قربانی فضای فرهنگی حاکم بر جامعه یا منطقه جغرافیایی که در آن سکونت دارد، باشد یا حداقل بتوان شرایط فرهنگی و مذهبی حاکم بر محل زندگی را به عنوان عامل مخففه مجازات وی لحاظ نمود. بنابراین توسل صرف به اعمال مجازات و ضمانت اجرای کیفری برای پیشگیری از تکرار جرم و اطمینان از اصلاح متهم، کافی نخواهد بود. به عبارت دیگر، نمی‌توان به صرف جرم‌انگاری این عمل که مرز باریکی با انحراف اجتماعی دارد و پاسخ به آن به صورت دولتی و در قالب مجازات، از واکنش اجتماعی و به کارگیری اهرم‌های مدنی غافل شد. انحرافات اجتماعی محصول نگاه متفاوت جامعه به یک رفتار فاصله‌گیر از ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول وجدان جمعی است که در این خصوص جامعه مدنی با استفاده از سازوکارهای خود واکنش‌های مستقل همانند امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی اسلام (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳: ۷۷) و واکنش‌های مشارکتی در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی از قبیل میانجی‌گری، نسبت به این مسأله خواهد داشت. (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۹) بنابراین با صبغه امنیتی پیدا کردن جرم توهین به قومیت‌ها و ادیان و مذاهب و با عنایت به مطالب پیش‌گفته در خصوص آن، محرومیت مرتکبان این جرایم از مرور زمان و مجازات‌های جایگزین‌های حبس سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد و امنیت‌گرایی مقنن در جرم‌انگاری صورت‌گرفته را پررنگ‌تر می‌نماید. هر چند که قانون‌گذار با اعطای اختیار به مقام رسیدگی‌کننده در تعیین جزای نقدی به عنوان مجازات قضایی تا حدودی این محدودیت را برطرف نموده است.

#### ۴-۱-۲: معیار توسعه موضوع جرم

راهکار دیگری که در جرم‌انگاری امنیت‌گرا مورد توجه مقنن قرار می‌گیرد، توسعه موضوع جرم می‌باشد. در این روش، تلاش مقنن بر آن است تا با تغییر موضوع جرم، دامنه شمول جرایم را تا حد بسیار زیادی افزایش دهد. در ماده ۴۹۹ مکرر نیز به نظر می‌رسد مقنن کیفری ایران با توسعه دامنه موضوع جرم، توهین به ادیان الهی و نیز مذاهب رسمی مصرح در قانون اساسی و همچنین توهین به قومیت‌های ایرانی را جرم‌انگاری نموده است. آیا از نظر مقنن همه شخصیت‌های مذهبی یا دینی، نمادها، نهادها، اماکن مقدس یا حتی مفاهیم دینی یا مذهبی در دایره ادیان و مذاهب قرار دارند یا فقط توهین به برخی از آنها می‌تواند باعث آزردن خاطر شدن دین‌داران و یا پیروان آن مذهب شده و لاجرم مورد حمایت قانون‌گذار باشد؟ در مورد توهین به قومیت‌ها شاید مشکل حادث‌تر هم باشد. کدام‌یک از ابعاد هویت قومی اعم از زبان، گذشته، رسوم، طرز پوشش، تعصب‌های قومی و ... در ماده مذکور مورد نظر مقنن است که توهین به آن مشمول جرم‌انگاری صورت گرفته باشد؟

#### ۴-۱-۳: معیار جرم‌انگاری به صورت مطلق

در حقوق کیفری عمومی، جرایم از نظر لزوم حصول نتیجه مجرمانه در دو دسته مطلق و مقید جای می‌گیرند. در جرایم مطلق، وقوع نتیجه خاصی لازمه تحقق جرم نیست اما در جرایم مقید فقط با حصول نتیجه مجرمانه، جرم مورد نظر واقع می‌شود. امروزه قانون‌گذاران در تدوین قوانین کیفری، از دسته‌بندی مذکور جهت توسعه یا کاهش دامنه شمول جرایم بهره می‌گیرند. جرایمی که برای مقنن دارای اهمیت بیشتری است، در زمره جرایم مطلق قرار گرفته و جرایم دارای اهمیت کمتر، مقید به تحقق نتیجه مجرمانه از سوی قانون‌گذار خواهند شد. بنابراین اغلب جرایم علیه اشخاص و اموال که به صورت مقید جرم‌انگاری شده‌اند، در جرایم علیه امنیت مقید به حصول نتیجه خاصی نیستند و از جرایم مطلق به‌شمار می‌آیند. در زمینه جرایم علیه امنیت نیز مقنن جزایی به خوبی دریافته است که در این حوزه نباید نتیجه مجرمانه خاصی را مد نظر داشت، زیرا با وقوع نتیجه دیگر امنیتی وجود نخواهد داشت که در پرتو آن قوانین کیفری به مرحله اجرا درآیند؛ به همین دلیل، به محض ارتکاب رفتار فیزیکی توسط مرتکب، وی مستحق مجازات کیفری می‌باشد. (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۵۲) جرم‌انگاری امنیت‌گرا به جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه در قالب جرم مطلق، گرایش دارد. ماده ۴۹۹ مکرر مورد بحث حاضر نیز که در فصل جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور قرار گرفته است، مانند برخی دیگر از مواد این فصل، ارتکاب جرم را مقید به نتیجه خاصی ننموده‌است. می‌توان گفت این جرم از نظر مقنن یک جرم مطلق می‌باشد و حصول نتیجه مجرمانه یعنی ایجاد خشونت یا تنش در جامعه به عنوان یک کیفیت مشدده، باعث افزایش میزان مجازات می‌گردد.

#### ۴-۱-۴: معیار تمرکز بر عنصر مادی جرم

یکی دیگر از ویژگی‌های دیدگاه امنیت‌گرایانه در جرم‌انگاری، تمرکز بر روی عنصر مادی جرم بدون در نظر گرفتن رکن روانی آن است. مادی شدن جرم و توجه کامل به کافی دانستن صرف ارتکاب عمل مجرمانه‌ای که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است بدون برخورداری از سوء نیت، برخلاف اصول کلی حقوق کیفری است و اگر سیاست جنایی به سمت جرم‌انگاری رفتارهایی که صرف عنصر مادی در آن‌ها دارای اهمیت است، متمایل شود علاوه بر اینکه به سخت‌گیرانه شدن حقوق کیفری می‌انجامد در عمل نیز حقوق دفاعی و بنیادین متهم که باید در دادرسی کیفری رعایت شود را نادیده می‌گیرد. (Summers, 2007: 183) به عنوان نمونه، قسمت اخیر ماده ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، برای اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذی‌صلاح در حال

نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند، شش ماه تا سه سال حبس تعیین نموده است. این جرم به جز عمد در نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری نیازمند سوء نیت خاص نمی باشد. بنابراین، تفاوتی نمی کند که مرتکب، این کارها را به قصد اخلال در امنیت یا دادن اطلاعات به دشمن انجام می دهد و یا صرفاً از روی کنجکاوای شخصی یا برای نگاهداری عکس در آلبوم شخصی خود به انجام آن‌ها مبادرت ورزد. در هر دو حالت، وی مرتکب جرم موضوع ماده شده است. (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۰۴) در خصوص جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر، قانون گذار با اشاره به قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا علم به وقوع آن، احراز عنصر روانی را مد نظر قرار داده است و با اتخاذ این رویکرد از این معیار جرم انگاری امنیت مدار فاصله گرفته است؛ اما با محدود کردن عنصر روانی جرم به قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه، هدف خود از جرم انگاری را صرفاً در حفظ امنیت ملی خلاصه نموده است. با توجه به عنصر مادی این جرم یعنی توهین که به عنوان یک رفتار مجرمانه غالباً در دسته جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص جای می گیرد، امکان ورود لطمه به حیثیت و آبروی شهروندان و جریحه دار شدن احساسات افراد جامعه حتی بدون برهم خوردن نظم و امنیت عمومی وجود دارد. علاوه بر اینکه اگر شخص توهین کننده خود منتسب به یک قوم یا مذهب خاص باشد، این تحریک احساسات و عواطف ممکن است منجر به رفتار متقابل بزه دیدگان شده و باعث گسترش نفرت پراکنی و تشدید اختلاف میان مذاهب و قومیت ها گردد. در چنین وضعیتی بزه دیدگان کنونی به دلیل عدم حمایت نظام کیفری، تبدیل به بزه کاران آتی می شوند و این امر کارکرد نظام کیفری را زیر سوال می برد. به نظر می رسد در این جرم صرف تعیین مجازات مدنظر در ماده ۴۹۹ مکرر، بدون توجه به بزه دیدگان که با توجه به موضوع جرم ممکن است تعداد زیادی از افراد جامعه باشند، ناکارآمد باشد. استفاده از ظرفیت سازمان های مردم نهاد (سمن ها)<sup>۱</sup> و نهادهای عمومی غیردولتی در ترمیم فضای التهاب آمیزی که معمولاً پس از ارتکاب توهین به یک دین یا مذهب و یا یک قومیت در جامعه و به ویژه در میان پیروان آن دین یا مذهب و یا افرادی با هویت قومی مدنظر ایجاد می شود، می تواند به عنوان راهکاری برای بازگشت آرامش به فضای عمومی جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

### نتیجه گیری

توهین به ادیان و مذاهب و قومیت ها به قصد ایجاد تنش یا خشونت در جامعه در سال ۱۳۹۹ با تصویب قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) و طی ماده ۴۹۹ مکرر توسط مقنن، جرم انگاری شد. هرچند پیش از این مواد دیگری مانند ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص سب نبی و نیز مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ تعزیرات نیز، به جرم انگاری توهین به مقدسات اشاره داشته اند، با این وجود رویکرد قانون گذار در ماده ۴۹۹ مکرر که به فصل جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور الحاق شده است، به نظر یک رویکرد امنیت مدارانه می باشد. نوشتار حاضر ماده ۴۹۹ مکرر را که برای کاهش دغدغه های قانون گذار در خصوص تهدید امنیت ملی با ارتکاب توهین به ادیان، مذاهب و قومیت ها به تصویب رسیده است، از منظر معیارهای جرم انگاری امنیت مدار مورد بررسی قرار داده است. برخوردار نمودن جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر از محدودیت های جرایم علیه امنیت، مبهم و قابل تفسیر بودن عمل توهین با عنایت به اینکه در نظام کیفری ایران در طول سال های گذشته همواره چالش هایی در خصوص احراز جرم توهین وجود داشته است، توسعه موضوع جرم با استفاده از واژگان «ادیان الهی» و «مذاهب اسلامی» و «قومیت های ایرانی» بدون اشاره به مصادیق آن ها یا تعیین ضابطه عینی در این مورد و در نهایت جرم انگاری به صورت مطلق و فارغ

<sup>1</sup> Non-Governmental Organization (NGO)

از تحقق یا عدم تحقق نتیجه مورد نظر مرتکب، به نظر نگارندگان حکایت از جرم‌انگاری امنیت‌گرای قانون‌گذار در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر دارد. استفاده از عناوین اتهامی کلی توهین به ادیان یا توهین به مذاهب اسلامی یا توهین به قومیت‌ها در عمل راه را برای برداشت‌های موسع توسط قاضی هموار می‌نماید. این‌که چه مواردی اعم از افراد، مکان‌ها، مفاهیم، نهادها و نمادها مورد احترام دین‌داران و پیروان مذاهب اسلامی و قومیت‌های مختلف ایرانی است، به صورت شفاف و معین و حصری در دسترس قاضی نیست و این امر می‌تواند منجر به دخالت دادن معیارهای ذهنی قاضی در محاکمه مرتکب جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر گردد. احراز سوءنیت خاص مرتکب در داشتن قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا علم به وقوع آن نیز، با توجه به امر درونی بودن با ابهام رو به رو می‌باشد و به آسانی میسر نخواهد شد. در این راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- با عنایت به این‌که مقنن عمل توهین موضوع ماده ۴۹۹ مکرر را از دریچه امنیت‌مدارانه مورد جرم‌انگاری قرار داده، ناگزیر تعیین ضمانت کیفری را یگانه راهکار پیش‌گیری از تکرار جرم و اصلاح مرتکبان دانسته است. به نظر، حکومت با تلقی امنیتی بودن جرم مورد بحث و اعمال سیاست تسامح صفر در برابر آن، خود را بی‌نیاز از سایر راهکارهای سیاست جنایی برای حل این معضل می‌داند، حال آن‌که تداوم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین ادیان و مذاهب و قومیت‌های مختلف در کنار یکدیگر، نیازمند فهم مشترک و احترام متقابل میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف یا افراد دارای هویت قومی گوناگون است و این مهم، مستلزم بهره‌گیری از راهکارهای غیرکیفری مانند فرهنگ‌سازی در حوزه عمومی توسط نهادهای دولتی و به ویژه صداوسیما و سایر نهادهای غیر دولتی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد و به‌ویژه علمای دینی و مذهبی در راستای حفظ و تقویت جایگاه هویت‌های مذهبی و قومی مختلف و پیش‌گیری از ارتکاب چنین جرایمی می‌باشد.
- ماده ۴۹۹ مکرر صرفاً موارد عمدی توهین به ادیان و مذاهب و قومیت‌ها را جرم‌انگاری نموده است، با این وجود در عمل ممکن است برخی از مصادیق این جرم به صورت غیرعمدی واقع شود ولی از نظر نتیجه یعنی ایجاد تنش یا خشونت در جامعه همان آثار جرم عمدی را به دنبال داشته باشد. در چنین وضعیتی تعیین مجازات به عنوان مجازات اصلی و به‌ویژه مجازات تکمیلی با رویکرد فرهنگی و اعتقادی با هدف اصلاح مرتکب و اطمینان از عدم تکرار جرم، ممکن نیست. جرم‌انگاری رفتار غیرعمدی در بین جرایم علیه امنیت، بی‌سابقه نیست؛ به عنوان نمونه می‌توان به جرم موضوع ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در خصوص تخلیه اطلاعاتی شدن مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی در اثر بی‌مبالاتی اشاره کرد. پیشنهاد می‌گردد مقنن فرض ارتکاب غیرعمدی جرم حاضر را نیز بنا بر دلیل پیش‌گفته و نیز اهمیت توجه به حقوق بزه‌دیدگان و کاهش التهاب در جامعه که معمولاً با وقوع چنین جرایمی و با جریحه‌دار شدن احساسات تعداد زیادی از شهروندان به وجود می‌آید، جرم‌انگاری نماید. البته به نظر می‌رسد جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر می‌تواند با عدول مقنن از قائل شدن وصف امنیتی برای آن، در خارج از فصل جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور قرار گیرد.
- توهین به قومیت‌ها و ادیان و مذاهب می‌تواند در بعضی از موارد مصداق جرم ناشی از نفرت نیز باشد. ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تشکیل پرونده شخصیت برای بزهکار را منوط به نوع و شدت مجازات نموده است؛ با توجه به آثار مخرب جرایم ناشی از نفرت بر بزه‌دیدگان، می‌توان تشکیل پرونده شخصیت در خصوص مرتکبان جرایم ناشی از نفرت را نیز الزامی نمود.

منابع

- ۱) آقابابایی، حسین (۱۳۸۴)، «گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۵، شماره ۲
- ۲) آقایی نیا، حسین (۱۳۹۵)، «حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)»، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان
- ۳) موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، «صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره)»، جلد نهم، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۴) بکاریا، سزار (۱۴۰۰)، «رساله جرایم و مجازات‌ها»، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ دهم، تهران: نشر میزان
- ۵) پاد، ابراهیم (۱۳۸۴)، «حقوق کیفری اختصاصی»، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۶) پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲)، «بایدها و نبایدهای جرم انگاری در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۰، شماره ۷۵
- ۷) پیکا، ژرژ (۱۳۹۳)، «جرم شناسی»، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان
- ۸) توجهی، عبدالعلی؛ برنجی اردستانی، مرجان (۱۳۹۱)، «بررسی جایگاه امنیت گرایانه در سیاست جنایی ایران و آمریکا»، فصلنامه پژوهش های حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۲
- ۹) توکلی، فاطمه؛ آقابابایی، حسین؛ شاه ملک پور، حسن (۱۳۹۴)، «مبانی دینی و اصول جرم انگاری توهین به مقدسات و چالش های فرارو»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۶
- ۱۰) جعفریان سوته، سیدحسن (۱۳۹۴)، «از عدالت کیفری امنیت مدار تا عدالت کیفری کرامت مدار (علل و راهکارها)»، نشریه اندیشه های حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۱
- ۱۱) حبیب زاده، محمدجعفر و زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۴)، «درآمدی بر برخی محدودیت های عملی جرم انگاری (ضرورت ارزیابی منافع و مضار ایجاد یک جرم)»، مجله نامه مفید، شماره ۴۹
- ۱۲) رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، «بزه دیده شناسی حمایتی»، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر
- ۱۳) عالی پور، حسن؛ کارگری، نوروز (۱۳۸۹)، «جرایم ضد امنیت ملی»، تهران: نشر خرسندی
- ۱۴) غلامی، حسین (۱۳۹۱)، «اصل حداقلی بودن حقوق جزا»، فصلنامه حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۲
- ۱۵) قربانی، ابراهیم (۱۴۰۲)، «تاثیر افکار عمومی بر جرم انگاری ها در سیاست کیفری ایران»، فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره ۱، شماره ۴
- ۱۶) قناد، فاطمه؛ اکبری، مسعود (۱۳۹۶)، «امنیت گرای سیاسی جنایی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱۸
- ۱۷) قورچی بیگی، مجید؛ رضائیان کوچی، محمد رضا (۱۳۹۹)، «تحلیلی بر بایسته های سیاست کیفری بزه دیده مدار در جرائم ناشی از نفرت»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۹، شماره ۳۲
- ۱۸) لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، «درآمدی بر سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان
- ۱۹) مجیدی، سید محمود (۱۳۹۳)، «حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی (جرایم علیه امنیت)»، چاپ دوم، تهران: نشر میزان

- ۲۰) مجیدی، سید محمود؛ تاج آبادی، فاطمه (۱۳۹۸)، «تکنیک‌های جرم‌انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران»، دوفصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲۱
- ۲۱) مرادی پسند، گلناز؛ بشیریه، تهمورث؛ غلامی، حسین (۱۴۰۱)، «رسوخ کیفرگذاری به قلمرو کیفری و تاثیر آن بر سیاست‌های کیفرزدا»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۲۰
- ۲۲) میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۷)، «جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی»، چاپ سی و ششم، تهران: نشر میزان
- ۲۳) میر محمد صادقی، حسین؛ قرقانی، علیرضا (۱۴۰۲)، «ناسیونالیسم مدنی از مسیر قانون‌گذاری‌های کیفری در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۳، شماره ۵۸
- ۲۴) نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، «تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق
- ۲۵) نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، «تقریرات جامعه‌شناسی جنایی»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق
- ۲۶) هوساگ، داگلاس (۱۳۹۰)، «جرم‌انگاری افراطی»، ترجمه محمد تقی نوری، تهران: انتشارات مجد
- 27) Clarkson, C.M.V (1987), "Understanding criminal law". London: Fontana Press.
- 28) Summers, Sarah (2007), "Fair Trial". first edition. New York: Hart publishing.